

گفت‌وگوی «ایران» با دکتر شیخ جعفر مهاجر، متفکر لبنانی

جامعه‌دینداران در برابر فرقه‌گرایی



گروه بین‌الملل

سرزمین‌های اسلامی در شرایط سیاسی منحصر به فردی قرار گرفته‌اند. پدیده‌های دوگانه جایشان، فرصت، هیچ‌گاه به شکل امروزی‌ان، در جهان اسلام دامن نگسترده بود. اقلیم سیاسی مسلمانان از یک سو، کانون جوشان موثرترین جنبش‌های آزادخواهی است در سویی دیگر نظاره‌گر جنگ‌های خونین است که افزون بر تلفات جانی بی‌شمار، سرمایه‌ها و منابع عظیم مسلمانان را در کام آتش فرو برده است. محور و مدار این نزاع خونین، سرزمین اسلامی عراق است. کشوری که در پنجمین بهار زندگی پس از نظام دیکتاتوری، سرنوشته خود را در میانه دو موج رقابت فرقه‌های طلب داخلی و نیروهای سودجوی خارجی در هیاله ابهام می‌بیند. از همین روست که نخبگان جهان اسلام آینده بحران‌های جاری سرزمین‌های اسلامی را در ناگاهی از همه امید دنبال می‌کنند. موج فراینده جنبش‌های راه‌یابی بخش، آثاری از امید در دیدگان آنها می‌نشاند. اما فتنه‌ها و آشوب‌های فرقه‌ای امید این نخبگان را به آینده میمانک می‌کند.

هر همین اساس، طایفه عالمان و روشنفکران دینی در قیاس با دیگران سهمی، افزون از بار دغدغه بحران عراق و اسلام بوده است.



● **آقای دکتر مهاجر، کشورهای اسلامی خاورمیانه بیرونه سرزمین عراق با موج جدیدی از مناقشات و نزاع‌ها رو به هستند، بخشی از این کشمکش‌ها در قالب رویارویی نیروهای آمریکایی و مخالفان اشغال این کشور، رخ نموده است. اما حلقه دیگر این نزاع، که به نازکی شروع شده است ماهیت فرقه‌ای دارد. «ترویج می‌دهد ایند تحلیل شما را این زمینه نزاع فرقه‌ای و بی‌شوم و این که شما می‌زنه‌ها و اسباب و علل این نزاع را در چه می‌اندید؟**

براساس آنچه از تجربه‌ها و سوابق تاریخی در دست است، ایجاد دو دستگی فرقه‌ای یک پایه ثابت در سیاست آمریکا در بحران‌های جهان اسلام بوده است.

مقدم که این بدست نزاع‌ها تنها با تحریک و سرمایه‌گذاری منابع خارجی می‌تواند شکل بگیرد. دست کم از زمانی که جنبش‌ها و جیش اسلامی به محسنه آمدند، سناریوی ایجاد اختلاف‌های فرقه‌ای از سوی آمریکا دنبال شده است.

به طور مشخص دولت‌های آمریکا از زمان زوال رقیب‌شان، شوروی، وقتی که جهان اسلام را به صورت یک قبیله پیش رو دیدند، سیاست رخنه و شکاف در جوامع اسلامی را سرلوحه سیاست خویش قرار دادند. این سیاست در قالب یک نظریه در دوره ریاست جمهوری ریگان مطرح شد، اما به صورت فراگیر در دوره دولت بوش دوم پیگیری شد.

در این مرحله، آمریکا و غرب آشکارا تفکر ساختن دشمن فرضی را اجرا می‌کنند. البته جامعه بین‌المللی نیز به دلیل اشتغالی ناشی از سقوط نظام دولتی و عرصه و مرجع حاکم، سران آمریکا را در تلاطم این سیاست یاری می‌کند.

● **یعنی شما معتقدید سیاست نزاع فرقه‌ای از خاورمیانه بخشی از سیاست است که دولت بوش پس از ۱۱ سپتامبر مطرح کرده است؟**

بله، درست از آغاز بحران نظامی و لشکرکشی آمریکا به افغانستان و سپس عراق، ما شاهد یک تهاجم سیاسی و روانی از سوی کاخ سفید به سوی جهان اسلام هستیم آنها همه امکانات و ابزارها را برای مخدوش کردن چهره مسلمانان و ایجاد چند پارگی و تفرقه در میان مسلمانان به کار می‌گیرند. موضوع تبدیل اسلام و مسلمانان به دشمن فرضی و سپس دشمن واقعی غرب، از اولین اقدامات دشمنی این دوران است.

شما همه آن اشفاق‌های پس از حمله به افغانستان را بخشی از یک سیاست واحد می‌دانم. این سیاست جوهری است از اتحاد و کینه‌دارد و دو هدف نهایی‌اش باز داشتن و متوقف ساختن آهنگ قدرت‌یابی جهان اسلام است. در این بین بهره‌موسایی تبدیل جهان اسلام به یک قطب قدرت سیاسی است که همه محافل جهان از آن سخن می‌گویند. آثار و بازتاب این جهش سیاسی در قدرت‌های اسلامی، نگرانی و وحشتی است که قلمروهای غربی بیرونه آمریکا نسبت به منطقه خود

بود یا نه اهدافی فراتر از این را در سر داشت؟

به نظر من، در این مرحله باید موفقیت و منابع سیاسی آمریکا، نیازها و علایق حیاتی این کشور در عرصه‌های اقتصادی و تسلیحاتی را نیز مد نظر قرار داد. آمریکا در شرایطی وارد این زنجیره نزاع‌ها در خاورمیانه و جهان اسلام می‌شود که موقعیت استراتژیک آن با ظهور حریفان سیاسی- نظامی جدید مانند چین که خطر افتاده است، در حالی که پس از سقوط بلوک شوروی و شرق، منابع آمریکایی به انحمار بر بازارهای آزاد جدید نظامی جهانند تک قطبی کردن عرصه سیاسی، چشم دوخته بودند. اما به یک باره این آتش‌چال‌های جدیدی از ناحیه قطب قدرت‌های آسیا و قطب جهان اسلام احساس می‌شود.

● **در چنین فضایی آمریکا تاگزیر است برای ادامه سیاست بسط و برفت منطقه، مقابله با حریفانی مانند چین و بیرونه تأمین منابع اسرائیل و حفظ امنیت آن به هرکت تهاجمی جدید دست بزند. یا به صورت با تهاجم به کشورهای اسلامی هم بازار خرید و فروش سلاح به عنوان منبع سود سرمایه‌داران آمریکا تأمین می‌شود و هم طرف‌ها را رقیب آن با مشکلات و چالش‌های بی‌شمار می‌شوند.**

● **ایضا بحث فرقه‌های از آن که به عنوان بخشی از نزاع بزرگ کشورهای اسلامی بحث می‌کنیم تنها در عراق پیاده شد؟**

درست است که مرکز این فتنه انگیزی‌ها، عراق است اما آمریکا و مسلمانان در این مدت تلاش کردند این امر را حربه و در دیگر مناطق نیز برای ایجاد شکاف‌های مذهبی و طایفه‌ای در لبنان بسیار تلاش کردند و بسیار امیدوار بودند که پای نیروهای اسلامی را در لبنان به همین نزاع طایفه‌ای بکشانند و از این راه پیروزی‌ها و دستاوردهای جهانی ایران‌های اسلامی این کشور را از بین ببرد. اما چنانکه دیدید این ایده‌های آنان با هوشتاری موعود لبنان بر باد رفت.

● **اگر موضوع نزاع طایفه‌ای از یک پرزوه و طرح سیاسی از طرف آمریکا باشد که کدام طرف‌ها را در بر می‌گیرد، آیا آنها، هم‌طرح پرزوه هستند و هم مجری آن. یا این که نه در اجرائی آن نیروها و عوامل دیگری هم مشارکت دارند؟**

آمریکا در این سناریو از عوامل و ابزارها و نیروهای دیگری هم بهره می‌گیرد. مناسب است که دولت‌ها به عنوان میهمان، آمریکایی‌ها را در این طرح همراهی می‌کنند.

● **البته به همین اندازه بسیاری از کشورهای تیره‌های مسلمان در برابر این برنامه مقاومت کرده‌اند.**

ابزار دیگری که رهبران آمریکا در جنگ طایفه‌ای از آن بسیار استفاده می‌کنند مرکز رسانه‌های هستند. خیلی از موضوع‌ها و مسائل رفقه‌ای که امروز با کمک و همکاری این وسایل شیطنت‌ها در ذهن مسلمانان، آمریکایی‌ها را در این طرح همراهی می‌کنند.

● **البته به همین اندازه بسیاری از کشورهای تیره‌های مسلمان در برابر این برنامه مقاومت کرده‌اند.**

● **و سرانجام، عامل سوم در این عرصه فتنه، نقش چهره‌های به ظاهر دینی است. آمریکایی‌ها در طول دو جنگ افغانستان و عراق به طور مکرر و افراط به ظاهر مذهبی بهره گرفته‌اند. کسانی که در عرصه‌های اقتصادی و تسلیحاتی را نیز مد نظر فروداد. آمریکا در شرایطی وارد این زنجیره برخورد نبوده‌اند. سواستفاده از این نیروها به روش‌های گوناگون صورت گرفته است. از یک طرف آنها با عقاید و رفتار اخراجی‌شان بیشترین کمک را برای اسلام کردن دین و بدبین کردن دیگران به مذهب برداشته‌اند. هم‌زمان از سوی دیگر این عملکرد جریان‌های به ظاهر دینی، مهم‌ترین زمینه‌ساز برای توجیه تجاوزات و تعدیات قدرت‌های خارجی بوده است و آمریکا با مستمسک قراردادن اقدام‌های این جریان‌های مشکوک اشتغالگری نظامی خود را توجیه کرده است.**

● **به اعتقاد خیلی از کارشناسان با وجود همه مخالفت‌ها و واکنش‌ها و دولت‌های**

● **آمریکایی‌ها در طول دو جنگ افغانستان و عراق مکرر از افراد به ظاهر مذهبی بهره گرفته‌اند. کسانی که به دروغ نام اسلامی و عقاید مذهبی برده‌اند. آنها با نشان اخراجی‌شان برای بیشتر مردم که برای پندام کردن و بدبین کردن دیگران به مذهب و دین در پی بوده‌اند.**

مسلمانان، جنگ طایفه‌ای پرزوه‌ای بوده که طرف‌ها آن توانسته‌اند تا حد زیادی آن را با موفقیت پیاده کنند. بازگرداندن طایفه‌ها و گروه‌های درگیر به مرز آشنی، تهاجم، کاری سخت و دشوار است. اما شما در ابتدای اظهارات خود نوشتید به عبور کشمکش‌های اسلامی از گرداب اختلاف، اظهارامیدواری کردید. دوست دارم بدانم که دلایل این عبورامیدواری خود، خوشبینی شما چیست و چرا در نگاه شما، حل این مشکل پیچیده چگونه ساخته به نظر نمی‌آید؟

برای آن که دشمن مسلمان کشمکش‌ها تفرقه افکن و دنبال کشندگان برنامه جنگ طایفه‌ای در اقلیت هستند و بیشتر گروه‌ها به صورت هم‌بند مسلمان از این فتنه‌ها به دور هستند.

مقدم که در اقصی نقاط کشورهای اسلامی، نیروهای خیرخواه و طالب اتحاد حضور گسترده دارند. هرچند تا کنون از توان و تجربه این نیروها در فروداندن این کانون‌های تفرقه‌بند استفاده نشده است.

علاوه بر این چنان که پیش از این تأکید کردم، طرف‌های اسلامی پدیده داخلی خود را به مسائل نیست و چون جرئت و مشا خراجی دارد، مقابله با آن نیز در صورت تسبیح متفکران و نیروهای نیک‌اندیش جهان اسلام، کار دشواری نیست.

● **در این زمینه چه نقش‌های دیگری**

● **و سرانجام، عامل سوم در این عرصه فتنه، نقش چهره‌های به ظاهر دینی است. آمریکایی‌ها در طول دو جنگ افغانستان و عراق به طور مکرر و افراط به ظاهر مذهبی بهره گرفته‌اند. کسانی که در عرصه‌های اقتصادی و تسلیحاتی را نیز مد نظر فروداد. آمریکا در شرایطی وارد این زنجیره برخورد نبوده‌اند. سواستفاده از این نیروها به روش‌های گوناگون صورت گرفته است. از یک طرف آنها با عقاید و رفتار اخراجی‌شان بیشترین کمک را برای اسلام کردن دین و بدبین کردن دیگران به مذهب برداشته‌اند. هم‌زمان از سوی دیگر این عملکرد جریان‌های به ظاهر دینی، مهم‌ترین زمینه‌ساز برای توجیه تجاوزات و تعدیات قدرت‌های خارجی بوده است و آمریکا با مستمسک قراردادن اقدام‌های این جریان‌های مشکوک اشتغالگری نظامی خود را توجیه کرده است.**

● **به اعتقاد خیلی از کارشناسان با وجود همه مخالفت‌ها و واکنش‌ها و دولت‌های**

● **آمریکایی‌ها در طول دو جنگ افغانستان و عراق مکرر از افراد به ظاهر مذهبی بهره گرفته‌اند. کسانی که به دروغ نام اسلامی و عقاید مذهبی برده‌اند. آنها با نشان اخراجی‌شان برای بیشتر مردم که برای پندام کردن و بدبین کردن دیگران به مذهب و دین در پی بوده‌اند.**

مسلمانان، جنگ طایفه‌ای پرزوه‌ای بوده که طرف‌ها آن توانسته‌اند تا حد زیادی آن را با موفقیت پیاده کنند. بازگرداندن طایفه‌ها و گروه‌های درگیر به مرز آشنی، تهاجم، کاری سخت و دشوار است. اما شما در ابتدای اظهارات خود نوشتید به عبور کشمکش‌های اسلامی از گرداب اختلاف، اظهارامیدواری کردید. دوست دارم بدانم که دلایل این عبورامیدواری خود، خوشبینی شما چیست و چرا در نگاه شما، حل این مشکل پیچیده چگونه ساخته به نظر نمی‌آید؟

برای آن که دشمن مسلمان کشمکش‌ها تفرقه افکن و دنبال کشندگان برنامه جنگ طایفه‌ای در اقلیت هستند و بیشتر گروه‌ها به صورت هم‌بند مسلمان از این فتنه‌ها به دور هستند.

مقدم که در اقصی نقاط کشورهای اسلامی، نیروهای خیرخواه و طالب اتحاد حضور گسترده دارند. هرچند تا کنون از توان و تجربه این نیروها در فروداندن این کانون‌های تفرقه‌بند استفاده نشده است.

علاوه بر این چنان که پیش از این تأکید کردم، طرف‌های اسلامی پدیده داخلی خود را به مسائل نیست و چون جرئت و مشا خراجی دارد، مقابله با آن نیز در صورت تسبیح متفکران و نیروهای نیک‌اندیش جهان اسلام، کار دشواری نیست.

● **در این زمینه چه نقش‌های دیگری**

● **و سرانجام، عامل سوم در این عرصه فتنه، نقش چهره‌های به ظاهر دینی است. آمریکایی‌ها در طول دو جنگ افغانستان و عراق به طور مکرر و افراط به ظاهر مذهبی بهره گرفته‌اند. کسانی که در عرصه‌های اقتصادی و تسلیحاتی را نیز مد نظر فروداد. آمریکا در شرایطی وارد این زنجیره برخورد نبوده‌اند. سواستفاده از این نیروها به روش‌های گوناگون صورت گرفته است. از یک طرف آنها با عقاید و رفتار اخراجی‌شان بیشترین کمک را برای اسلام کردن دین و بدبین کردن دیگران به مذهب برداشته‌اند. هم‌زمان از سوی دیگر این عملکرد جریان‌های به ظاهر دینی، مهم‌ترین زمینه‌ساز برای توجیه تجاوزات و تعدیات قدرت‌های خارجی بوده است و آمریکا با مستمسک قراردادن اقدام‌های این جریان‌های مشکوک اشتغالگری نظامی خود را توجیه کرده است.**

● **به اعتقاد خیلی از کارشناسان با وجود همه مخالفت‌ها و واکنش‌ها و دولت‌های**

● **آمریکایی‌ها در طول دو جنگ افغانستان و عراق مکرر از افراد به ظاهر مذهبی بهره گرفته‌اند. کسانی که به دروغ نام اسلامی و عقاید مذهبی برده‌اند. آنها با نشان اخراجی‌شان برای بیشتر مردم که برای پندام کردن و بدبین کردن دیگران به مذهب و دین در پی بوده‌اند.**

مسلمانان، جنگ طایفه‌ای پرزوه‌ای بوده که طرف‌ها آن توانسته‌اند تا حد زیادی آن را با موفقیت پیاده کنند. بازگرداندن طایفه‌ها و گروه‌های درگیر به مرز آشنی، تهاجم، کاری سخت و دشوار است. اما شما در ابتدای اظهارات خود نوشتید به عبور کشمکش‌های اسلامی از گرداب اختلاف، اظهارامیدواری کردید. دوست دارم بدانم که دلایل این عبورامیدواری خود، خوشبینی شما چیست و چرا در نگاه شما، حل این مشکل پیچیده چگونه ساخته به نظر نمی‌آید؟

برای آن که دشمن مسلمان کشمکش‌ها تفرقه افکن و دنبال کشندگان برنامه جنگ طایفه‌ای در اقلیت هستند و بیشتر گروه‌ها به صورت هم‌بند مسلمان از این فتنه‌ها به دور هستند.

مقدم که در اقصی نقاط کشورهای اسلامی، نیروهای خیرخواه و طالب اتحاد حضور گسترده دارند. هرچند تا کنون از توان و تجربه این نیروها در فروداندن این کانون‌های تفرقه‌بند استفاده نشده است.

علاوه بر این چنان که پیش از این تأکید کردم، طرف‌های اسلامی پدیده داخلی خود را به مسائل نیست و چون جرئت و مشا خراجی دارد، مقابله با آن نیز در صورت تسبیح متفکران و نیروهای نیک‌اندیش جهان اسلام، کار دشواری نیست.

● **در این زمینه چه نقش‌های دیگری**

● **و سرانجام، عامل سوم در این عرصه فتنه، نقش چهره‌های به ظاهر دینی است. آمریکایی‌ها در طول دو جنگ افغانستان و عراق به طور مکرر و افراط به ظاهر مذهبی بهره گرفته‌اند. کسانی که در عرصه‌های اقتصادی و تسلیحاتی را نیز مد نظر فروداد. آمریکا در شرایطی وارد این زنجیره برخورد نبوده‌اند. سواستفاده از این نیروها به روش‌های گوناگون صورت گرفته است. از یک طرف آنها با عقاید و رفتار اخراجی‌شان بیشترین کمک را برای اسلام کردن دین و بدبین کردن دیگران به مذهب برداشته‌اند. هم‌زمان از سوی دیگر این عملکرد جریان‌های به ظاهر دینی، مهم‌ترین زمینه‌ساز برای توجیه تجاوزات و تعدیات قدرت‌های خارجی بوده است و آمریکا با مستمسک قراردادن اقدام‌های این جریان‌های مشکوک اشتغالگری نظامی خود را توجیه کرده است.**

● **به اعتقاد خیلی از کارشناسان با وجود همه مخالفت‌ها و واکنش‌ها و دولت‌های**

● **آمریکایی‌ها در طول دو جنگ افغانستان و عراق مکرر از افراد به ظاهر مذهبی بهره گرفته‌اند. کسانی که به دروغ نام اسلامی و عقاید مذهبی برده‌اند. آنها با نشان اخراجی‌شان برای بیشتر مردم که برای پندام کردن و بدبین کردن دیگران به مذهب و دین در پی بوده‌اند.**

مسلمانان، جنگ طایفه‌ای پرزوه‌ای بوده که طرف‌ها آن توانسته‌اند تا حد زیادی آن را با موفقیت پیاده کنند. بازگرداندن طایفه‌ها و گروه‌های درگیر به مرز آشنی، تهاجم، کاری سخت و دشوار است. اما شما در ابتدای اظهارات خود نوشتید به عبور کشمکش‌های اسلامی از گرداب اختلاف، اظهارامیدواری کردید. دوست دارم بدانم که دلایل این عبورامیدواری خود، خوشبینی شما چیست و چرا در نگاه شما، حل این مشکل پیچیده چگونه ساخته به نظر نمی‌آید؟

برای آن که دشمن مسلمان کشمکش‌ها تفرقه افکن و دنبال کشندگان برنامه جنگ طایفه‌ای در اقلیت هستند و بیشتر گروه‌ها به صورت هم‌بند مسلمان از این فتنه‌ها به دور هستند.

مقدم که در اقصی نقاط کشورهای اسلامی، نیروهای خیرخواه و طالب اتحاد حضور گسترده دارند. هرچند تا کنون از توان و تجربه این نیروها در فروداندن این کانون‌های تفرقه‌بند استفاده نشده است.

علاوه بر این چنان که پیش از این تأکید کردم، طرف‌های اسلامی پدیده داخلی خود را به مسائل نیست و چون جرئت و مشا خراجی دارد، مقابله با آن نیز در صورت تسبیح متفکران و نیروهای نیک‌اندیش جهان اسلام، کار دشواری نیست.

● **در این زمینه چه نقش‌های دیگری**

میدان جدید رویارویی آمریکا و چین

مترجم: مجید یعقوبی

رئیس‌جمهوری چین برای پیشبرد استراتژی درآمدت این کشور، درست پس از اجلاس سران آفریقا -چین در پکن، سفری ۱۲ روزه به ۸ کشور آفریقای داشت. ناظران این سفر را نشانگر تحولی در روابط این غول اقتصادی آسیا با منطقه سرشار از منابع غنی آفریقا دانستند. حضور اقتصادی یکن، با قدرت نمایی سیاسی این کشور درهمه‌ترین بحران آفریقا روه‌ره‌شد؛ وقتی که رهبران این کشور با نوسل به حق و توتی خود، یک‌تنه‌ها در حمله جبهه گسترده غرب برض سودان را مطرح شد که آیا به راستی چین رقیب تازه‌ای برای مدعیان سنتی این منطقه است؟

چین که در دهه ۹۰ میلادی به عنوان یک خریدار و سرمایه‌گذار بزرگ در صنعت، با به عرصه ظهور گذاشت و چندسالی است که رهبران این کشور در یک روند ثابت، برنامه‌های برای بهره‌برداری از منابع غنی قاره آفریقا را از سر گرفته بوده‌اند.

این میان دولت‌های آفریقای به دلیل فقر و مشکلات پرشماره‌ای که بر سر راه آن‌ها وجود دارد که شک و تردید در این زمینه و سرمایه‌گذاری بیشتری چین بسیارگزارش هستند و هر کدام می‌خواهند سهم بیشتری از این اعتبارات را، نسبت به کشورهای دیگر منطقه داشته باشند. به همین خاطر سهم چین از تجارت با کشورهای آفریقای نسبت به دیگر کشورهای جهان به طور سرسام‌آوری ۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۵ به ۴۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ افزایش یافت. طالب توجه این است که این حجم از تجارت در سال ۲۰۱۰ به دو برابر افزایش خواهد یافت که این رقم نشان دهنده روابط گسترده چین با این کشورهاست.

اما مشکلاتی که وجود دارد که نشان می‌دهد سال‌های بی‌درسر چین در قاره سیاه، روه‌یه‌روپایان است و باید به فکر راه حل‌های دیگری باشد. برای نمونه در زامبیا، جایی که چینی‌ها در یک معدن بزرگ مس فعالیتند، بعد از شورش و کشش‌های که در این معدن رخ داد، یکی از کاندیدهای ریاست جمهوری در سخنرانی سال گذشته این قول را به مردم داد که در صورت انتخاب شدن، دوست سرمایه‌گذاران چین را از این کشور کوتاه خواهد کرد.

● **در تجربه کارگران و مهندسان چینی که در شرکت نفت این کشور مشغول به کارند، تعدادی از آنان به وسیله سترزه‌جویی منطقه دلتا به گرگان گرفته شدند، تا نشان داده شود که تنها غربی‌ها نیستند که روه‌یه می‌شوند و این خطر می‌تواند برای چینی‌ها نیز رخ دهد. علاوه بر این آفریقای جنوبی و رزمیابوه نیز در مدت شاهد اعتراض‌هایی بر ضد واردات لباس‌های ارزان قیمت چین به این کشورها هستند. تا آنکه در سفر به این کشورها نیز با مولات کنایه داروغی معمول مواجه شد که نشان از نارضایتی مردم منطقه نسبت به سیاست چین در آفریقا داشت.**

● **البته توتوشید نشان دهنده هیچ چشم طمع نسبت به این کشورها ندارد؛ این موضوع او کمک کند که تا بروز هرگونه انتقاد علنی دولت‌های آفریقای نسبت به نقش چین در این قاره روه‌یه از این طریق چین به عنوان مستثمر و استعمارگر مردم‌دوستانه کار در آن‌ها برمد یابی نماند. او در این سفر برای جلب اعتماد این کشورها نیز برنامه‌هایی داشت و پیش از آن، سفرهای خود را به مراکز رسانی‌های هم بر پای به راه انداختن نقش طایفه‌ای که استفاده کردند. اما باوجود همه تلاش‌ها، فکر می‌کنم لبنان چشم انداز ناامیدانه‌تری درخشانی پیدا کرده است.**

● **خوشبختانه برخی رهبران سیاسی و دینی لبنان در این مرحله از این درایت بهره‌مند شده‌اند که مانع از کشیده شدن اختلاف‌ها به سمت نزاع فرقه‌ای و طایفه‌ای شوند. آیا نسبت به نقشه، هویت‌های آمریکا آگاهی پیدا کرده‌اند، و همین آگاهی و درک مشترک منشا موفقیت آینده لبنان است.**

● **در ارزیابی تجربه عبور لبنان از مناقشه اسلامی، ممکن است به دلایلی که در این مناطق روستایی ظاهر شده است، که با اقبال فاصله‌یاری دارد و این نمی‌تواند همه عوامل‌های انجام گرفته باشد. چین فرقه‌های از نفت مورد نیاز خود را از سودان دریافت می‌کند. که در حدود در صد واردات این کشور را نیز تأمین می‌کند. اما بکن این کشور آفریقای خود را با دست دراز کردن از استعمارگرانی که در این مناطق حمله می‌کنند، و راه‌های برای حل این مشکل را در نظر می‌گیرد. اما با وجود همه تلاش‌ها، فکر می‌کنم این کشورها نیز در مدت شاهد اعتراض‌هایی بر ضد واردات لباس‌های ارزان قیمت چین به این کشورها هستند. تا آنکه در سفر به این کشورها نیز با مولات کنایه داروغی معمول مواجه شد که نشان از نارضایتی مردم منطقه نسبت به سیاست چین در آفریقا داشت.**

● **البته توتوشید نشان دهنده هیچ چشم طمع نسبت به این کشورها ندارد؛ این موضوع او کمک کند که تا بروز هرگونه انتقاد علنی دولت‌های آفریقای نسبت به نقش چین در این قاره روه‌یه از این طریق چین به عنوان مستثمر و استعمارگر مردم‌دوستانه کار در آن‌ها برمد یابی نماند. او در این سفر برای جلب اعتماد این کشورها نیز برنامه‌هایی داشت و پیش از آن، سفرهای خود را به مراکز رسانی‌های هم بر پای به راه انداختن نقش طایفه‌ای که استفاده کردند. اما باوجود همه تلاش‌ها، فکر می‌کنم این کشورها نیز در مدت شاهد اعتراض‌هایی بر ضد واردات لباس‌های ارزان قیمت چین به این کشورها هستند. تا آنکه در سفر به این کشورها نیز با مولات کنایه داروغی معمول مواجه شد که نشان از نارضایتی مردم منطقه نسبت به سیاست چین در آفریقا داشت.**

● **در ارزیابی تجربه عبور لبنان از مناقشه اسلامی، ممکن است به دلایلی که در این مناطق روستایی ظاهر شده است، که با اقبال فاصله‌یاری دارد و این نمی‌تواند همه عوامل‌های انجام گرفته باشد. چین فرقه‌های از نفت مورد نیاز خود را از سودان دریافت می‌کند. که در حدود در صد واردات این کشور را نیز تأمین می‌کند. اما بکن این کشور آفریقای خود را با دست دراز کردن از استعمارگرانی که در این مناطق حمله می‌کنند، و راه‌های برای حل این مشکل را در نظر می‌گیرد. اما با وجود همه تلاش‌ها، فکر می‌کنم این کشورها نیز در مدت شاهد اعتراض‌هایی بر ضد واردات لباس‌های ارزان قیمت چین به این کشورها هستند. تا آنکه در سفر به این کشورها نیز با مولات کنایه داروغی معمول مواجه شد که نشان از نارضایتی مردم منطقه نسبت به سیاست چین در آفریقا داشت.**

● **البته توتوشید نشان دهنده هیچ چشم طمع نسبت به این کشورها ندارد؛ این موضوع او کمک کند که تا بروز هرگونه انتقاد علنی دولت‌های آفریقای نسبت به نقش چین در این قاره روه‌یه از این طریق چین به عنوان مستثمر و استعمارگر مردم‌دوستانه کار در آن‌ها برمد یابی نماند. او در این سفر برای جلب اعتماد این کشورها نیز برنامه‌هایی داشت و پیش از آن، سفرهای خود را به مراکز رسانی‌های هم بر پای به راه انداختن نقش طایفه‌ای که استفاده کردند. اما باوجود همه تلاش‌ها، فکر می‌کنم این کشورها نیز در مدت شاهد اعتراض‌هایی بر ضد واردات لباس‌های ارزان قیمت چین به این کشورها هستند. تا آنکه در سفر به این کشورها نیز با مولات کنایه داروغی معمول مواجه شد که نشان از نارضایتی مردم منطقه نسبت به سیاست چین در آفریقا داشت.**

مجله کانوینست

● **مطمئن هستم که هواداران جنگ طایفه‌ای در اقلیت هستند و بیشتر گروه‌ها و شخصیت‌ها از این فتنه‌ها به دور بودند. در اقصی نقاط کشورهای اسلامی، نیروهای خیرخواه و طالب اتحاد حضور گسترده دارند. هرچند تا کنون از توان و تجربه این نیروها در فروداندن این کانون‌های تفرقه‌بند استفاده نشده است.**

در منطقه و جهان پیدا می‌کنند.

● **این دیدگاه‌ها شما را برخی دیگر از صاحبزنان جهان اسلام به بیان دیگری مطرح می‌کنند که روشنفکران و روشنفکران ۱۱ سپتامبر به جنگ در کشورهای اسلامی وارد و رو می‌ه این که تنور نزاع‌های خانگی را شعله‌ور ساخت. حوال سال این است که آیا فتنه‌های از آن سخن می‌گویند. آثار و بازتاب این جهش سیاسی در قلمروهای اسلامی، نگرانی و وحشتی است که قلمروهای غربی بیرونه آمریکا نسبت به منطقه خود**